

بررسی مواضع روزنامه جنوب نسبت به تصویب لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر بعد از مشروطه

رضا معینی رودبالی^۱، محمدمهدی روشنفکر^۲، حسن قریشی کرین^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

از صفحه ۷۹ تا ۱۰۲

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ نظامی
سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار ۱۴۰۰

چکیده

روزنامه جنوب به مدیریت محمدباقر تنگستانی از روزنامه‌های مهم و تأثیرگذار در دوره مشروطه بود که با هدف مبارزه با استبداد، بر تحقق قدرت حکومت مرکزی تأکید داشت. این روزنامه ضمن انعکاس سال‌های هرج و مرج قبل از مشروطه یکی از اهداف مشروطه را حفظ نظم و امنیت و تحقق اقتدار حکومت مرکزی می‌دانست. مقاله پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی و با تحلیل محتوای روزنامه جنوب در صدد یافتن پاسخی برای این سؤال می‌باشد که ضرورت جلب نیروی نظامی از ایلات و عشایر از دیدگاه روزنامه مذکور چه بود؟ یافته‌ها حکایت از آن دارد که روزنامه با انتقاد از وضعیت ملوک‌الطوایفی قبل از مشروطه، لزوم استخدام و به کارگیری ایلات در تشکیلات نظامی دولتی - به عنوان یک گروه نظامی قدرتمند - را یک اقدام عاجل می‌دانست و تصویب لایحه در مجلس شورای ملی را گامی در جهت ثبات امنیت در داخل و مرزهای کشور می‌دانست. این موضوع به دلیل بحران‌های مالی در دولت‌های مشروطه به سرانجام نرسید و سرانجام با ظهور رضاشاه، جذب سوار از ایلات مسکوت ماند.

کلید واژه‌ها:

قاجار، مشروطه، روزنامه جنوب، ایلات و عشایر، امنیت، محمدباقر تنگستانی.

۱- استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول). پست الکترونیک:

moeini.reza.60@gmail.com

۲- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه یاسوج، ایران

۳- استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور قم، ایران

مقدمه

در طول تاریخ کهن ایران، ایلات و عشایر از جمله بازیگران عمده صحنه سیاست بوده‌اند. این گروه (ایلات و عشایر) به دلیل وضع خاص شیوه زیست عشایری، مهم‌ترین نیروی نظامی مؤثر در جامعه به شمار می‌رفت و تنها با مشارکت آنها بود که پیروزی مشروطه‌خواهان توانست تحقق یابد. ناامنی به‌عنوان آفت پیشرفت و ثبات اقتصادی و سیاسی تا بالاترین سطح و در تمام حوزه‌ها به چشم می‌خورد و عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی را شامل می‌شد که به‌عنوان نمونه می‌توان از ناامنی جان و مال و سرزمین گرفته تا ناامنی کاروان‌ها، شهرها و آبادی‌ها را در برمی‌گرفت و خود مانع عمده در راه تولید کالا و توسعه بنیادهای اقتصادی و رفاه اجتماعی بود. ضعف دولت مرکزی، خودسری حکام ایلات، شورش‌های داخلی، فقدان نظم و قانون، مداخلات خارجی، تحرکات ایلات و عشایر و غیره از عوامل زمینه‌ساز بحران‌های یاد شده بود.

با آغاز مبارزات ایرانیان با استبداد قاجاری که سرانجام به تحقق مشروطه انجامید، از جمله اهداف مشروطه‌خواهان تثبیت اقتدار دولت مرکزی بود که در نبود این اقتدار ایلات و عشایر و سران آن بر ناامنی دامن می‌زدند. هر چند دولت، قبل از مشروطه و با تشکیل بریگاد قزاق آن هم با کمک روس‌ها درصدد برآمده بود تا این امنیت را برقرار نماید، اما نه تنها راه به جایی نبرد بلکه به دلایل مالی و اختلافات داخلی بر این ناامنی‌ها افزوده شد (معینی رودبالی ۱۳۹۴: ۲؛ معینی رودبالی، ۱۳۹۷: ۴۳). با وقوع انقلاب مشروطه و به ثمر نشستن مبارزات مشروطه‌خواهان، مجلس شورای ملی به عنوان نهادی برآمده از این انقلاب، ضرورت ایجاد یک نیروی نظامی مقتدر را در دستور کار خود قرار داد. تاخت‌وتاز ایلات و عشایر در مناطق تحت حکمرانی سران آنان و پاسخگو نبودن به حکومت مرکزی، مجلس را بر آن داشت تا با تدوین قانونی به نام «قانون جلب سوار از ایلات» ضمن مهار نمودن آنان، از نیروی نظامی‌شان برای تشکیل یک نیروی نظامی قوی نیز استفاده نمایند. به همین دلیل، تدوین این قانون در ابتدای مجلس دوم مشروطه مورد توجه نمایندگان مجلس قرار گرفت و سعی در تصویب آن نمودند. این موضوع مورد توجه مطبوعات آن عصر نیز قرار گرفت. با وقوع مشروطه و در گذرگاه سنت به تجدد، یکی از ارکان مقوم مبانی فکری مشروطیت، مطبوعات بود. مطبوعات این عصر ضمن آگاهی و روشنگری در مبارزه با استبداد قاجاری نقش مهمی در تنویر

افکار عمومی بر عهده گرفتند. باسواد نمودن جامعه ایران به‌ویژه جامعه ایلی و عشیره‌ای و استفاده بهینه از قدرت نظامی آنان در تشکیلات نظامی و دولتی از جمله اهداف روزنامه‌های مشروطه بود. این موضوع از دیدگاه تیزبین روزنامه جنوب و مدیر آن محمدباقر تنگستانی نیز دور نماند و در سلسله مقالاتی ضمن تمجید از خدمات ایلات و عشایر در راه دفاع از مرزهای ایران، ضمن بر حذر داشتن سران آنان از ایجاد ملوک‌الطوایفی در کشور، آنان را به جذب در نیروهای نظامی و توجه به تثبیت اقتدار مرکزی کشور فراخواند. به همین علت این روزنامه از تدوین لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر — که توسط وزارت جنگ به مجلس پیشنهاد داده شد — اظهار خرسندی نمود و بر ضرورت و تحقق آنی تأکید نمود؛ بنابراین پرسش مقاله پیش رو این است که از نظر روزنامه جنوب، تصویب لایحه جلب نیروی نظامی از ایلات و عشایر چگونه باید محقق می‌شد؟ از نظر نویسندگان روزنامه فطرت جنگجو و بنیه قوی بدنی ایلات و عشایر، سابقه تاریخی آنان به‌عنوان مرزداران و حافظان امنیت کشور از ضروریات جذب آنان به‌عنوان نیروهای نظامی در تشکیلات دولتی محسوب می‌شد. همچنین یکجانشین نمودن و احیای زمین‌های زراعی توسط آنان، پرداخت حقوق و مواجب از سوی دولت مشروطه (وزارت جنگ) و تأمین امنیت لازم برای آنها و سرانجام همفکری دیگر گروه‌ها با حکومت از جمله دلایل تحقق لایحه مذکور بود.

پیشینه پژوهش: در مورد ایلات و عشایر و جنبه‌های متعدد زندگی آنان در تاریخ معاصر کتب و مقالات متعددی نوشته شده است. نفیسه واعظ (۱۳۸۸) در کتاب «سیاست عشایری دولت پهلوی اول» ضمن ارائه توضیحاتی در مورد جامعه شهری، روستایی و ایلی و عشیره‌ای مقارن با سلطنت رضاشاه، بیشتر به سیاست رضاشاه در قبال ایلات و عشایر اشاره نموده است. ایرج افشار (۱۳۶۸) در کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران» بر شناخت جامعه عشایری ایران تمرکز نموده است. ایران شناسان خارجی چون پیر ابرلینگ^۱ (۱۳۸۳) و جین راف گارثویت^۲ (۱۳۷۳) که به موضوع ایلات و عشایر علاقه نشان داده‌اند، بحث مستقلی را به

^۱ Pierre Oberling

^۲ Gene R. Garthwaite

این جنبه تحقیق حاضر اختصاص نداده‌اند؛ بنابراین در مورد موضوع مقاله مذکور هنوز پژوهش منسجمی صورت نگرفته است.

پیشینه تاریخی ایلات و عشایر در تاریخ ایران و شیوه‌ی سربازگیری از آنان توسط حکومت‌های دوره اسلامی

تا قبل از استقرار حکومت پهلوی، سلسله‌های مختلفی که بر ایران حکم می‌راندند، یا خود عشایری بودند یا به اتکا به نیروی نظامی عشایر، امکان استقرار یافته بودند. معمولاً حکومت مرکزی را یکی از ایلات تشکیل می‌داد. این دولت‌ها فاقد ارتش نیرومند بودند و ضعف آنها ترمرد و سرپیچی ایلات و خودداری آنها از پرداخت مالیات را به همراه داشت. برخی از ایلات که سهمی در قدرت حاکم نداشتند، حکومت مرکزی را تهدید می‌کردند و به همین دلیل، ایل حاکم سعی در دگرگون‌سازی وضع ایلات دیگر داشت (غفاری، ۱۳۶۸: ۲۱۹).

در طول تاریخ ایران و ظهور سلسله‌های مختلف، کلیه تغییرات و تحولات که در وضع ساختار و سازمان لباس و سلاح ارتش و غیره حاصل شد، بیشتر معلول اقتضانات زمانی و نظرات پادشاهان وقت که محور اساسی آن حفظ امنیت مرزهای کشور و کشورگشایی بود، شکل می‌داد (تاریخ ارتش نوین ایران، بی‌تا، ج ۱: ۳). پادشاهان صفوی ساختار نظامی جدیدی را نسبت به قبل ایجاد کردند که از یک وحدت شکلی و منطق عملکردی واحد پیروی می‌کرد و پس از صفویه تا قاجاریه این نوع نظام و ساختار، استمرار داشت و جایگزین جدیدی برای آن مطرح نشد. در این دوره طولانی نیروی ایلات و عشایر به‌عنوان رکن اصلی نیروی نظامی و ارتش، قدرت و اقتدار قشون و حتی سرنوشت پادشاه و سلسله حاکم را تعیین می‌کردند (نیازی و شالچی، ۱۳۹۲: ۴۸). سازمان اجتماعی سپاه ایران و ساختار ارتش هنگام وقوع جنگ یا فتور ناشی از انحطاط سلسله‌ها شکل می‌گرفت و ارتباط ارتش و نیروی نظامی با جامعه سراسری و همگانی نبود؛ زیرا که ارتش از جوامع ایلی و عشیره‌ای شکل گرفته و با دیگر طبقات جامعه در ارتباط نبود و حتی در مواردی در تضاد و اختلاف قرار داشت. به سخن دیگر نظامی‌گری و سپاهیگری برای بسیاری از سربازان و نظامیان حرفه‌ای نبود و آموزشی نظامی بخشی از آموزش‌های ضروری زندگی ایلی محسوب می‌شد.

با آغاز حکومت قاجار تغییرات و تحولات ارتش ایران شکل و رنگ دیگری یافت. با انعقاد قرارداد فینکنشتاین و ورود هیئت نظامی فرانسوی به فرماندهی ژنرال گاردان به ایران، اولین اقدام رسمی در خصوص نوسازی ارتش ایران برداشته شد و سازمان جدیدی برای سپاه معمول گردید و اصطلاحات تازه‌ای وضع گردید که تا شکل‌گیری حکومت پهلوی معمول بود (تاریخ ارتش نوین ایران، بی‌تا، جلد ۱: ۱۰-۷). همین گاردان فرانسوی در گزارش مبسوط به تاریخ بیست سوم شوال ۱۲۲۳ (دسامبر ۱۸۰۷) می‌نویسد: «در ایران هر ایل ملزم است مقدار معین سوار بدهد» (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۶۷). در گزارش دیگری به تاریخ ۱۲۴۶ قمری (۱۸۳۱ م) مقارن با سال‌های پایانی سلطنت فتحعلی شاه راجع به نحوه سربازگیری در ایران آمده است: «نحوه سربازگیری در ایران به روش ملوک‌الطوایفی است، هر استان و شهرستان، به‌استثناء چند شهر، باید عده‌ای سوار با اسب بدهد و اگر سربازی فرار کند، یکی از بستگانش را به‌جای او به خدمت سربازی خواهند برد» (همان: ۶۸). به استناد این گزارش‌ها معلوم می‌شود که تا این زمان، سربازگیری در ارتش ایران به دو شیوه داوطلب و اجباری صورت می‌گرفت و این شیوه تا پایان سلطنت محمدشاه (۱۲۶۴ ق) معمول بود و با سلطنت ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر مقررات و اصلاحات جدیدی صورت گرفت و قانون تازه‌ای تحت عنوان «قانون بنیچه» به مرحله اجرا درآمد.

استفاده از نیروهای ایلیاتی به‌عنوان نیروی نظامی در جنگ‌ها و با توجه به صبغه ایلی و عشیره‌ای حکومت‌های دوره اسلامی امری بدیهی و مسلم بود. این موضوع نه‌تنها در آثار نویسندگان ایرانی بلکه در آثار سیاحان و ناظران خارجی نیز انعکاس داده شده است (ر.ک: وولفسن ۱۳۰۹: ۴۴؛ وارینگ، ۱۳۶۲: ۲۰۴-۲۰۳؛ دوروش‌شوار، ۱۳۷۸: ۸۷، ۹۵، ۹۶؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۳۰؛ هانری رنه، ج ۱، ۱۳۳۵: ۱۶۵).

۱ Wolfesen

۲ Scott Waring

۳ Rochechouart, Juliende

۴ Furukawa

۵ Henry Rene

بحث و بررسی در لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر در مجلس شورای ملی

با آغاز مشروطیت و در مجلس شورای ملی، بحث و بررسی بر سر گرفتن سوار از ایلات و عشایر در جهت تقویت نیروی نظامی شروع شد. اهمیت این موضوع گردانندگان روزنامه جنوب را بر آن داشت تا به انعکاس این مذاکرات در روزنامه اقدام نمایند و در چندین شماره این مذاکرات را انعکاس دهند. در سال (۱۳۲۹ ق) و هم‌زمان با آغاز به کار مجلس دوم مشروطه و در توجه و حساسیت نویسندگان روزنامه به این لایحه و اشتیاق در تصویب آن به‌عنوان یک قانون، خوانندگان روزنامه نیز به‌شدت این مذاکرات را دنبال می‌نمودند، به‌گونه‌ای که در مقالاتی که از اقصی نقاط ایران به دفتر روزنامه رسیده، بعضی از ایلات و عشایر از تصویب و اعمال لایحه مذکور در مجلس اظهار خرسندی می‌نمودند و تصویب فوری آن را تقاضا داشتند. در اولین جلسه‌ای که مجلس در این مورد برگزار نمود، پیشنهاد گرفتن سوار از ایلات و عشایر و نحوه استخدام آنان در تشکیلات نظامی و دولتی و پیشنهادهایی که از سوی وزارت جنگ و کمیسیون نظام آن به مجلس داده شده بود، مورد شور قرار گرفت و پیشنهادهای در ۵ بخش مطرح شد:

- ۱- از کلیه ایلاتی که سرباز بده نمی‌باشند، دولت به‌موجب این قانون سوار می‌گیرد.
- ۲- میزان گرفتن سوار از سی خانوار یک سوار است. ۳- مدت خدمت [سربازی] در زیر اسلحه ۳ سال است. ۴- مدت خدمت در صنف احتیاط (مدت انتظار رجوع خدمت) سه سال است و در ظرف این سه سال دولت سالی یک‌مرتبه از مراکز محلی مدتی که بیش از یک ماه نیفتد، سوارها را برای مشق و سان حاضر می‌نماید. ۵- حقوق مدت خدمت در زیر اسلحه مطابق بودجه مجلس پرداخت می‌شود. ۶- خرج اسب و حقوق مدت خدمت سوار در صنف احتیاط در سال مطابق بودجه مصوبه است. ۷- تهیه اسب برای سوار در موقع احضار به خدمت به عهده همان سی خانوار است که آن سوار را می‌دهند.
- ۸- در مدت خدمت سوار در صنف کفالت مخارج ضروری اهل خانه آن سوار مطابق قرارداد وزارت جنگ بر عهده همان سی خانواری است که سوار داده‌اند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، سه‌شنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۹ دوره ۲).

با قرائت گزارش مذکور در مجلس، بحث و بررسی در مورد تصویب آن صورت گرفت. سلیمان میرزا اسکندری، مخبر کمیسیون بودجه، تصویب آن را منوط به ارسال آن به

کمیسیون بودجه مجلس دانست. سید ابراهیم مدرس، نماینده فارس، ضمن مخالفت با سلیمان میرزا، آن را فقط لایحه‌ای دانست که از سوی وزارت جنگ به مجلس ارسال شده که بعد از تصویب مجلس و برآورد مخارج آن توسط وزیر جنگ به کمیسیون بودجه ارسال می‌شود و در آن صورت اگر برای سال آتی (۱۳۳۰ ق) ده هزار سوار (سرباز) برای کشور تدارک دیده شود، در کمیسیون به تصویب آن رأی داده خواهد شد. همچنین متذکر شد که اگر بودجه کافی برای گرفتن این تعداد نیرو نبود، برای تعداد نیروهایی که مقدور و مصلحت می‌باشد، بودجه در نظر گرفته شود. سرانجام با تأکید بر این موضوع که فعلاً این مذاکرات بر روی کاغذ است و لایحه مذکور فعلاً فقط اساس و نحوه‌ی نظام سربازگیری را تعیین می‌کند و در شرایطی نیست که در کمیسیون بودجه مطرح شود، اظهار امیدواری نمود در سال جدید (۱۳۳۰ ق) شرایط و بسترهای آن فراهم شود.

محمد هاشم میرزا از دیگر نمایندگان مجلس نیز ضمن تأیید نظرات سید ابراهیم و با اشاره به شجاعت و جان‌فشانی‌های ایلات و عشایر در دفاع از تمامیت ارضی ایران در طول تاریخ، به موانع عملیاتی نمودن لایحه مذکور و نبود سازوکارهای لازم برای شمارش دقیق ایلات، گرفتن سرباز و همکاری و یا عدم همکاری آنان در این موضوع داد سخن راند و تأکید نمود که لایحه مذکور در صورتی که به قانون تغییر یابد، ضمن برهم زدن اوضاع سابق در امر سربازگیری، نتیجه ملموسی دربر نخواهد داشت. در موضوع مخارج بالای تأمین سوار از ایلات گفت: «آمدیم و تصویب کردیم که ده هزار سوار گرفته شود؛ یعنی هر سی خانوار از ایلات یک نفر سوار بدهند و امسال فرضاً دو هزار سوار لازم است. این را نمی‌دانیم از کدام یک از ایلات بگیریم. به واسطه اینکه از هر ایلی که شما بگویید گرفته شود، ترجیح بلامرغ است. به جهت آنکه شما تصویب کرده‌اید که از هر ایلی سوار بگیرید، دیگر معین نکرده‌اید که از کدام یک از آنها مقررأ گرفته شود و آن وقت از هر کدام که می‌خواهند شروع بکنند و این مالیات را بر او می‌بندید. در واقع هر خانواری هفتاد تومان بدهند که شما هفت تومان و نیمش را بدهید سوار و آنها را تحت نظام بیاورید، آن ایل خواهند گفت ما چرا باید بدهیم که از مرکز دور هستیم، یکی دیگر بدهد! پس قانون باید عمومیت داشته باشد.» سرانجام این نماینده مجلس با جذب یک سوار (سرباز) از هر سی خانوار از ایلات و عشایر و برآورد مخارج بالای آن

در بودجه تأکید نمود این موضوع یک تحمیل فوق العاده است و با تصویب آن مخالفت خواهد نمود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، یکشنبه ۱۹ صفر ۱۳۲۹ دوره ۲).

سردار اسعد بختیاری نیز به مانند محمد هاشم میرزا تصویب لایحه مذکور در مجلس را در آن برهه شتاب زده دانست و ضمن دلجویی از ایلات و عشایر و اشاره به وضعیت ملوک الطوائفی که برخی از سران آنان در کشور ایجاد نموده بودند، بیان نمود که با تصویب لایحه مذکور نه تنها بهبودی در اوضاع کشور ایجاد نمی‌شود؛ بلکه اسباب وحشت آنان می‌شود. در تأیید سخنش، به ایل خود (بختیاری) گریز زد و اشاره نمود که اگر دولت بخواهد از هر خانوار ایلی و عشیره‌ای سه تومان در ازای تأمین سرباز مالیات بگیرد، از ایل بختیاری که سی هزار خانوار را در برمی‌گرفت، می‌بایست نود هزار تومان مالیات بگیرد. موضوعی که از دیدگاه سردار اسعد نه تنها مورد قبول آنان قرار نمی‌گرفت، بلکه به زعم وی «اسباب وحشت» آنان را هم فراهم می‌نمود. او برای اعمال لایحه مذکور ارائه راهکار نمود و با تأکید بر سکوت و بی‌خبری ایلات و عشایر از لایحه مذکور تا تصویب و اعمال آن به صورت یک قانون، تصریح نمود که ابتدا باید در وزارت جنگ و در قوانین مصوب آن برآورد نمود که این وزارتخانه چه تعداد سرباز نیاز دارد و چه تعداد آن باید از ایلات تأمین شود و سرانجام با نظارت بر موارد مذکور به تصویب آن به عنوان یک قانون رأی داد. سردار اسعد همچنین با خدمت سه ساله ایلات و عشایر در زیر پرچم، مخالفت نمود و جلب توجه آنان برای این خدمت را مقدور ندانست و سرانجام هرگونه بحث و تفحص در مورد اعمال قانون سوار از ایلات و عشایر را زود دانست (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، یکشنبه ۲۶ صفر ۱۳۲۹ دوره ۲).

بعد از ایراد سخنرانی نمایندگان مذکور، عبدالحسین میرزا فرمانفرما به عنوان وزیر جنگ و در بحث کلیات لایحه و پاسخ به انتقادات نمایندگان به ارائه توضیحات پرداخت. فرمانفرما با اشاره به ترتیب جدید سربازگیری از ایلات و عشایر بیان نمود که با اعمال شیوه جدید، سربازان (سواران) قدیم در سربازان (سواران) جدید ادغام خواهند شد و از این بابت جای نگرانی نیست: «مثلاً ایل ایلانلو سوار می‌داده است بعد از وضع این قانون ما فوراً می‌خواهیم شماره می‌کنیم و می‌گوییم مطابق قانون فلان مقدار سوار به سر شما وارد است. مثلاً می‌گوییم اضافه بر این عده که هست ما صد و پنجاه یا دویست سوار دیگر از شما می‌خواهیم و این مقدارش را هم آنها شاید با کمال افتخار حاضر بشود و در

کمال امتنان بدهند.» در پاسخ به گرفتن مبلغ سه تومان از هر سی خانوار این را تحمیلی ندانست و تأکید نمود که هر خانوار در وسع خود یک اسب و یا یک سرباز لایق برای امور نظامی - که از عهده‌ی آن نیز برمی‌آید - به دولت تحویل دهد. در پاسخ به سردار اسعد که حضور آنان در نیروهای نظامی دولتی را اسباب وحشت می‌دانست، آن را به شدت رد نمود و برعکس حضور آنان را استمالت و دلجویی از آنان دانست: «اما این که می‌فرمایید اسباب توحش ایلات می‌شود برخلاف عقیده شخص بنده این است که این کار بیشتر اسباب استمالت از ایلات می‌شود برای این که ایلات ما که یک عهده‌ی را دیده‌اند که اگر قبلاً فلان سرکرده یا فلان رئیس آنها می‌آید این جا از او تعارف می‌گیرند تفنگ می‌گرفتند وقتی دیدند که حالا می‌آیند این جا جیره صحیح می‌گیرند لباس صحیح می‌پوشند و رؤسایشان اگر داخل شوند صاحب‌منصب می‌شوند و مواجب می‌گیرند به عقیده بنده این مطلب خیلی باعث جذب قلوب آنها می‌شود» و سرانجام مراد از خدمت سه ساله در زیر پرچم را خدمت اجباری و تمام و کمال در تشکیلات نظامی ندانست و تصریح نمود که آنان (سواران ایلات و عشایر) در طول این مدت می‌توانند به مرخصی بروند و در شرایط حساس و بحرانی از حضور آنها در تشکیلات نظامی استفاده شود: «و اما در باب سه سال کسی نمی‌گوید که این تعداد سوار سه سال به خانه خودش نرود. معنی این که مدت خدمت در زیر اسلحه سه سال است این است که سه سال باید در زیر اسلحه دولت باشد و دولت حق دارد او را تا سه سال نگاه بدارد، حالا اگر وزیر جنگ یک وقتی صلاح دید دو ماه محرم و صفر را که فرضاً کار ندارند، برای این که ماه عزاست آنها را مرخص می‌کند که باز غره ماه ربیع‌الاول برگردند و بیایند سر خدمت. یک وقتی می‌شود که وزیر جنگ مثلاً در چهار ماه زمستان هوا که سرد است و موقع خدمت فوق‌العاده نیست مقتضی می‌بیند و می‌گوید که فلان سوار در این مدت برود خانه خودش و بعد از چهار ماه بیاید و این هم هیچ مورد مؤاخذه نیست که کسی از وزیر جنگ بپرسد که چرا او را مرخص کرده‌اید. پس این هیچ حتم نیست که سال را تماماً باید در زیر اسلحه باشند و به خانه خودشان نروند» (همان).

روزنامه جنوب و تشکیل حکومت ملی در صورت تصویب لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر

محمدباقر تنگستانی، پسر سرتیپ علی‌خان تنگستانی در سال ۱۳۰۱ هـ ق و در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار در تنگستان، از توابع بوشهر، به دنیا آمد و در سال ۱۲۸۷ شمسی برابر با ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۲۸ قمری روزنامه جنوب را پایه‌گذاری کرد. این روزنامه در ۱۳۲۹ قمری توقیف شد (یا حسین، ۱۳۸۷: ۶۵۰). سپس، روزنامه ندای جنوب با تکیه تام به مرامنامه روزنامه جنوب و در پیش گرفتن قواعد و اسلوب همان روزنامه، جای آن را گرفت. تنگستانی برای تحصیل به مدرسه‌ی سعادت رفت. این مدرسه در سال ۱۲۷۸ ق. به‌عنوان نخستین مدرسه مدرن جنوب ایران تأسیس شده بود و از نظر تاریخی مادر مدارس جنوب ایران به شمار می‌رفت (یا حسین، ۱۳۸۷: ۶۴۶). از جمله حوادث مهم دوران کودکی محمدباقر تنگستانی که تأثیر مهمی بر شکل‌گیری شخصیت و ذهنیت او نسبت به انگلستان و سیاست‌های آن کشور در ایران و منطقه داشت، واقعه تصرف بوشهر و قتل‌عام مردم آن شهر توسط انگلیسی‌ها بود. اختلافات ایران و انگلستان بر سر هرات موجب شد تا سیاست انگلستان به دخالت مستقیم برای حفظ موقعیت پرنفوذ خود تغییر کند. انگلیسی‌ها که در ابتدا بر سیاست حمایت از دوست محمدخان به عنوان یکی از طرف‌های درگیر در ماجرای فتح هرات تأکید می‌کردند، این سیاست را کنار گذاشتند و رأساً علیه ایران وارد تقابل نظامی شدند. به این ترتیب، نیروهای انگلستان که از طریق هند فرماندهی می‌شدند و در آب‌های خلیج فارس حضور داشتند، در چهارم دسامبر ۱۸۵۶ م/ ۱۲۷۳ هـ ق از جنوب به ایران وارد شدند و خارک را تصرف و بوشهر را نیز گلوله‌باران کردند. سپس بوشهر نیز سقوط کرد و ژنرال جمیز اوترام در ۷ ژانویه ۱۸۵۷ به این شهر وارد شد و پس از مدتی کوتاهی نیز محمره و اهواز را نیز به تصرف خود درآوردند (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۸۶۰).

محمدباقر تنگستانی پس از شروع نخستین حرکت آزادی‌خواهانه مردم ایران برای استقرار نظام مشروطیت، خود را به کانون این جنبش‌ها، یعنی تهران رساند و مبارزاتش را در کنار مشروطه خواهان آغاز کرد. با سقوط مشروطه اول و حاکمیت مطلق

محمدعلی شاه قاجار، احتمالاً محمدباقرخان تنگستانی از تهران متواری شد و با فتح تهران و خلع محمدعلیشاه به تهران بازگشت و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی به نفع مشروطیت انجام داد و با به تخت نشستن احمدشاه قاجار، به پاس خدماتی که برای استقرار مشروطیت انجام داده بود، به سمت «تفنگدار باشی» احمدشاه منصوب شد و حدود سه سال در این شغل باقی ماند، اما طبع سرکش وی ماندن در این شغل را به او اجازه نداد و استعفا داد (یاحسینی، ۱۳۸۷: ۶۴۸). تنگستانی که در دوران کودکی نیز نفوذ و اشغال کشورهای بیگانه را تجربه کرده بود، پس از ماه‌ها مبارزه و پیوستن به دولت مهاجرین کرمانشاه و حتی مبارزه مسلحانه که برای او لقب «تفنگدار ملی» را به ارمغان آورد و پس از تبعید به دلیل انتقاد از قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله توقیف شد، روش و منش مبارزاتی خود را به سمت‌وسوی مبارزه از طریق نویسندگی و اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به جامعه خود تغییر داد (یاحسینی، همان: ۶۵۱).

استقرار مشروطه آمال و آرزوهای زیادی را در دل مشروطه خواهان ایجاد نمود. تثبیت اقتدار دولت مرکزی و از بین بردن ملوک‌الطوایفی از جمله این اهداف و آمال بود. موضوعی که مقاله‌نویسان روزنامه جنوب از آن به عنوان «حکومت ملی» یاد نمودند، اما با گذشت هجده ماه از عمر حکومت مشروطه نه تنها این اصلاحات جامه عمل نپوشیده بود؛ بلکه بر هرج‌ومرج و نفوذ عمال استبداد در منحرف نمودن اهداف مشروطه تأثیرگذار بود. روزنامه جنوب در ایجاد اوضاع مذکور به دلایل مختلفی چون منحصر نمودن انتخابات و حق رأی به افراد محدود و خودی، محروم نمودن نیروهای نظامی و عدم توجه به شئون آنان در وضع قوانین استناد نمود و نوشت: «در حکومت ملی باید انتخابات عمومی باشد، منافع مشترک عادلانه و به استحقاق تقسیم بشود. از قوانین مملکت همگی متمتع گردند و بالاخره امنیت جانی، مالی و ناموسی برای قاطبه افراد مملکت منظور شود» (روزنامه جنوب، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق، شماره ۱۲: ۲۸). دلایل مذکور باعث شده بود تا به زعم نویسندگان روزنامه اکثر مردم دل‌خوشی به اوضاع به وجود آمده نداشته باشند و سرانجام پیشرفتی در امور به وجود نیاید. موضوعی که در صورت تحقق باعث می‌شد تا هم ریشه استبداد کنده شود و هم استعمارگران نتوانند به چپاول مملکت پردازند.

روزنامه جنوب در مقاله‌ای با عنوان «حکومت ملی» از ضرورت تشکیل آنی این نوع حکومت و استخدام ایلات و عشایر در جهت تقویت بنیه نظامی کشور از آنان به‌عنوان یکی از «قوای طبیعی» نام برد و ضمن اشاره به وضعیت ملوک‌الطوایفی در دوران استبداد که نظم و امنیت را مختل نموده بود، این موضوع را به دلیل نبود سازمان‌دهی لازم در بین ایلات و عشایر دانست. از نظر نویسنده باید یک نیروی نظامی متمرکز سازمان‌دهی شود و از همه‌ی طوایف ایلات و عشایر و «قوه جنگی» آنان استفاده شود و آن گروه از ایلات که حاضر نشوند در این نیروی نظامی دولتی استخدام شوند، به آنان نیز امنیت لازم داده شود و «در اراضی که آنان به بیلاق و قشلاق اقدام می‌نمایند آنان را به ساختن خانه مجبور نمایند و بعد از این که یکجانشین شدند و امنیت لازم برای آنها برقرار شد، خودشان به کشاورزی اشتغال پیدا می‌کنند.» مقاله‌نویس تأکید می‌کند اگر دولت مشروطه این نیرو (ایلات و عشایر) را به خدمت وادار نماید، دو امتیاز مهم می‌تواند به دست بیاورد: قوه نظامی مقتدر از یک عنصر جنگی ساخته می‌شود و در ثانی اغتشاش از مملکت رخت می‌بندد و امنیت در تمام اطراف و جوانب برقرار می‌شود و فایده دیگر آبادی و احیای اراضی لم‌یزرعی می‌باشد که به گفته نویسنده به علت تاخت‌وتاز «این ایلات وحشی» لم‌یزرع شده بود و بر اثر آن مردم (کشاورزان) را به فقر و فلاکت کشانده بود. از نظر مقاله‌نویس ایلات می‌بایست به وزارت جنگ پاسخگو باشند، نه آنکه وزارت جنگ را به آنان واگذار نمود. نویسنده به نحوه استخدام آنان اشاره نموده و جلب حمایت آنان را با تأمین امنیت لازم به آنان و رفع تعدیات ظالمانه ملاکین از آنان دانست: «رعیت رنجبر از حکومت خود هیچ توقعی ندارد، تقسیم اراضی را نمی‌خواهد، جز امنیت جانی و مالی چیز دیگری را طالب نیست. به اندازه [ای] که امنیت به آنها داده شود، طرفداری از آنها گشته. رعیت رنجبر ما مطیع قانون است. رعیت رنجبر امنیت می‌خواهد. رعیت رنجبر در تمام عمر زحمت متحمل می‌شود که ناموس او محفوظ بماند. استخدام این قوه به یک امنیت نامه است (جنوب، سال اول، ش ۱۰، ۱۲، ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق: ۳).

برقراری امنیت و ثبات راه‌های تجاری از راهزنان ایلی و عشیره‌ای در تسهیل تجارتِ تجار

در سال‌های قبل از مشروطه و در نبود قدرت مرکزی نیرومند، امنیت تجار و راه‌های تجاری تحت‌الشعاع راهزنان ایلی و عشیره‌ای قرار گرفته بود و آنان در مناطق تحت سلطه‌شان به واسطه خودمختاری محلی و عدم نظارت حکومت مرکزی مبادلات تجاری را مختل نموده بودند. پیش از برقراری مشروطیت، امنیت راه‌ها در ولایات با مقاطعه دادن به افراد یا گروه‌هایی چون ایلات تأمین می‌شد و مقاطعه‌کار با گرفتن حق راهداری و نیز حق مقاطعه هزینه‌ی خود را تأمین می‌کرد. در بدو مشروطیت، مجلس اول این ترتیب را به هم زد و امنیت راه‌ها را به دولت سپرد و اخذ راهداری را ممنوع اعلام کرد. قانون تشکیل «ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» اداره‌ای با عنوان «قراسوران» برای هر ولایت تعریف کرد که «حفظ و حراست راه‌ها و امنیت طرق و شوارع» جزو وظایف آن شمرده می‌شد (رجایی، ۱۳۹۱: ۲). تشکیلات قراسوران در ایالات و ولایات به علت سوءاستفاده‌های حکام محلی راه‌های استحفاظی، تعداد کم قراسوران‌ها و ناامنی که ایلات مختلف به آن دامن می‌زدند، راه به جایی نبرد و سرانجام با تأسیس نیروی ژاندارمری منحل شد (معینی رودبالی، رضا و ساجدی، عبدالله، ۱۳۹۷: ۴۳).

روزنامه جنوب از دیگر منافع تصویب لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر را تسهیل در تجارت مملکت و برقراری امنیت راه‌های تجاری می‌داند. یکی دیگر از «قوای طبیعی» از دیدگاه نویسندگان روزنامه، تجار بودند که در سال‌هایی که حکومت مرکزی در اقتدار بود و راه‌های تجاری از امنیت لازم در تسهیل تجارت برخوردار بودند؛ آنان نیز با فراغ بال به تجارت اقدام می‌نمودند و در نبود اقتدار نیز مورد غارت راهزنان و ایلات و عشایر قرار می‌گرفتند که به علت فقر و تنگدستی امنیت را از آنان سلب نموده بودند. این موضوع حتی شکایات نیروهایی چون انگلیسی‌ها که خود به تجارت در این راه‌ها مبادرت می‌نمودند را نیز به همراه داشت (در این مورد؛ ر.ک: معینی رودبالی، ۱۳۹۷: ۴۳) مقاله‌نویس روزنامه جنوب با تأکید به توجه دولت به تجار و برقراری امنیت برای آنان، به نتایج آن مانند احداث «کارخانه‌ها و کمپانی‌های تجاری» و رونق صادرات و واردات و از بین رفتن فقر و فلاکت در صورت تحقق آن اشاره می‌نماید. از دیدگاه نویسندگان راه‌حل اصلی در تحقق یک دولت مقتدر حضور همه‌ی نیروهای دلسوز از اصناف و گروه‌های مختلف در مرکز (تهران) می‌باشد تا با همفکری آنان این اقتدار محقق شود (جنوب، سال اول، ش ۱۲، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق: ۲).

استخدام ایلات در تشکیلات نظامی دولتی به‌عنوان یک راهکار واقعی و نه ابزاری در جهت تقویت تمامیت ارضی ایران

در شکل‌گیری اندیشه دولت‌سازی، ناامنی‌های پایان دوره قاجار به‌ویژه ناامنی‌هایی که در ایلات و عشایر به وجود آورده بودند، سهم مهمی را ایفا می‌کرد. به‌گونه‌ای که با تأسیس مجلس و استقرار مشروطیت خواست دولت متمرکز را به یک اشتیاق عمومی تبدیل کرد (واعظ، ۱۳۸۸: ۱۸۶). اشتیاقی که در عمل به استقرار دولت مشروطه و با هدف مبارزه با ناامنی و گریز از مرکزی به ثمر نشست؛ اما در ادامه و به علت اختلاف بین مشروطه خواهان و مبارزه جناح استبداد با آنان به ثمر ننشست و بار دیگر ناامنی و هرج‌ومرج حاکم شد.

استفاده ابزاری از ایلات و عشایر و به‌نوعی سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن که در دوره قاجار و در فقدان قدرت مرکزی نیرومند در جهت اعمال سلطه بر ایلات و عشایر در دستور کار قاجارها قرار گرفت، در از بین رفتن امنیت نقش مهمی داشت. این در شرایطی بود که قبل از این حکومت‌هایی که در جهت وحدت ایلات گام برداشته، توانسته یک قدرت مرکزی نیرومند در کشور ایجاد کنند. استفاده ابزاری از ایلات و توان نظامی آنان توسط حاکمان قاجاری و سپردن مناصب نظامی و حکومتی به بخشی از آنان نه تنها به تقویت نیروی نظامی نینجامید؛ بلکه یکی از دلایل مخالفت سایر گروه‌ها با حکومت وقت بود. روزنامه جنوب در این زمینه نوشت: «این کمال اثر نداشت جز رأی ملوکانه و توجه سپهسالار. مقام و رتبه‌ی نظامی به‌اندازه‌ای خوار و حقیر شده بود که غالب سرکردگان و سرداران ما سرداران خلوت و صاحب‌منصبان حضور بودند» اما به نظر نویسنده روزنامه با وقوع مشروطه یا همان دوره حکومت ملی فرمانروایی که ملت ایران می‌خواهد باید پایه حکومت خود را بر یک اساس قوی قرار دهد و همه‌ی طبقات ملت را در نفع و ضرر مملکت سهیم داند و برای هر طبقه و صنفی به اندازه لیاقت و قابلیت شغلی برای او در نظر بگیرد. مقاله‌نویس در ادامه و با تحولی که در اوضاع جدید ایجاد شده بود، تأکید نمود که شورای نظامی (وزارت جنگ) به این نکته پی برده که باید نظم و رتبه [فرماندهی] لشکر را به طبقه‌ای بدهند که «فطرتاً جنگجو باشند»؛ ویژگی که در ایلات وجود دارد و آنان شایسته چنین مقامی هستند و به همین دلیل لایحه قانونی گرفتن سوار از ایلات را به مجلس پیشنهاد دادند و قانون گرفتن سوار را معین کردند.

در ترغیب ایلات و عشایر به پذیرش قانون مذکور مقاله‌نویس به بیان منافع حاصله از قانون مذکور و بعد از تصویب آن در مجلس داد سخن راند و نوشت: «این عطف توجه دولت به شما به خاطر شجاعت فطری و جنگجویی در جهت استقلال و تمامیت ارضی ایران می‌باشد. با تصویب قانون نه تنها [موجب و علیق] خود را از خزانه دولت می‌گیرید؛ بلکه به لحاظ مالی و اقتصادی می‌توانید به تقویت بنیه اقتصادی خود بپردازید» در اهمیت و تأکید بر نظام و نظامی‌گری نیز نوشت: «هر فردی، هر شخصی که در دربار دولت به مقامی رسید و افتخاری تحصیل کرد، شرفی در تاریخ برای اخلاق خود گذاشت، نام خود را در مسلک نام‌آوران دنیا زینت‌بخش تاریخ نمود، به واسطه خدمت نظامی و رتبه لشکری بود. نظام حصن حصین مملکت است در مرکز و در میدان مشق جای شما خالی است که چگونه برادران بختیاری در تحت نظم داخل شدند، مقام تمدن و تربیت را دارا گشتند اما شما برادران دیگر هنوز در کوه‌ها و دره‌ها ویلان و سرگردان می‌باشید، نه از دنیا نفعی می‌برید و نه در آخرت رستگار می‌شوید. ...» (جنوب، سال اول، ش ۱۲، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق: ۳-۲).

نویسنده در فراخواندن و تشویق و ترغیب ایلات و عشایر به خدمت نظام‌وظیفه به دولت، به آیات قرآن کریم هم متوسل می‌شود و با اشاره به آیاتی چون: «واعدو لهم من استعظم من قوه و من رباط الخیل» و «ان الله يحب الذين یقاتلون فی سبیلہ صفا کانهم بنیان مرصوص»^۱ آنان را به استخدام دولت و لبیک به تمامیت ارضی مملکت دعوت می‌نماید. همچنین با اشاره به تحولات جهان آن روز که دول غربی با انقلاب صنعتی و رقابت‌های نظامی و «ازدیاد قوای بری و بحری» در حال پیشرفت و توسعه بودند و -البته ایران در مدار عقب‌گرد قرار گرفته بود- به روزهای درخشان و اقتدار کشور در دوران باستان گریزی زد و نوشت: «مگر ایلات ایران از اولاد نام‌آوران دوره باستان [باستان] نمی‌باشید که همه در حکم و خدمتگزاری به دولت مطبوع خود جان را به رایگان نثار می‌نمودید. حال موقع خدمتگزاری رسیده، سواران خود را حاضر کنید.

۱- و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطناً کافر محض‌اند) و خدا بر آنها آگاه است و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد (سوره انفال، آیه ۶۰).

به محض رسیدن مأمور وزارت جنگ برای گرفتن سوار از ایلات همه استقبال این موهبت نمایند. ...» (همان)

در بحث احضار نیروهای نظامی از ایلات و گسیل آنها به سمت مرکز و خطاب به وزاری کابینه نوشت: «انتظام بلاد ممکن نیست جز به جلب توجه ایلات و توجه ایلات به مرکز غیر از این راهی ندارد. ما می‌خواهیم همان نوعی که خوانین بختیاری خود را برای خدمت به دولت و استقلال مملکت حاضر نمودند و در مرکز مایه امیدواری دولت و ملت گشتند، برادران دیگر خودمان را از ایلات به مرکز جلب نماییم و آنها را با سواران بختیاری شریک زحمت کنیم. یک ایل بختیاری چه اندازه فدایی دهند. ایلات دیگر هم در این آب‌و‌خاک سهیم و صاحب حق‌اند؛ چنانکه آقای صمصام‌السلطنه و آقای امیر مفخم برای خدمت حاضر شدند، آقای سردار ارفع و سردار عشایر و سردار اشرف و خوانین دیگر هم‌عنان گردند. این جنگجوی ترکمان برای خدمت به آب‌و‌خاک مهیا شوند. ایلات نامور آذربایجان در این مقصد مقدس رهسپار باشند. ایلات سلحشور خراسان و بلوچستان حاضر خدمت گردند. ایلات کرمانشاهان و پیش کوه از این جان‌فشانی‌ها بهره‌ور شوند» (جنوب، سال اول، ش ۱۲، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۹ ق: ۴).

بازتاب و انعکاس ناامنی‌ها در ولایات و ایالات مختلف کشور گرداندگان روزنامه جنوب را بر آن داشت تا ضمن اشاره و چاپ تلگراف‌های افراد مشهور این مناطق در بازتاب این ناامنی مسئولان را در تصویب هر چه سریع‌تر لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر آگاه نمایند. به‌عنوان نمونه و در نبود اقتدار حکومت مرکزی در مناطقی چون لرستان، غارت و چپاول مردم توسط راهزنان عرصه را بر آنان تنگ نموده بود. موضوعی که ارسال و وصول «مرقوم نامه» شیخ عبدالرحمن، از معتمدان مورد وثوق «آخوند خراسانی» مرجع مورد اعتماد عموم ایلات لرستان، به روزنامه جنوب را به همراه داشت. «از وضع این صفحات و سامان استفسار نفرمائید. نهایت برهم خورده. کی را دارد. آقای امیرافخم وارد بروجرد شده‌اند، امید آنکه وجود جناب معظم له موجب آسایش و مصلح فساد این نقطه گردد و با اینکه تنظیم صفحه لرستان اهمیت تامه دارد، اولیاء نظام دولت و نمایندگان ملت به هیچ‌وجه نظر و توجهی به آن صوب [منطقه] ندارند. نه قشون صحیح منظم مرتب می‌فرستند و نه افتتاح ادارات می‌نمایند. چرا؟ جهت چیست که تقریباً صد هزار سوار رشید لرستانی در تحت نظر و تربیت نباشند؟ سبب چیست که

این مملکت وسیع که همه نوع قابل تربیت و دخل [درآمد] مهم (زیاد) دارد بلاصاحب بماند؟!.....» (جنوب، سال اول، شماره ۱۲، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق: ۳).

شیخ عبدالرحمن تصویب فوری لایحه قانونی وزارت جنگ در گرفتن سوار از ایلات را بعد از تصویب مجلس از دولت تقاضا و با تأکید بر تلاش حکومت برای آرام کردن اوضاع لرستان، درخواست داد تا یک اردوی ده‌هزار نفری را به آن حدود اعزام کنند. این در شرایطی قابل تحقق بود که به گفته مشارالیه دولت با راهکارهای مناسب از خود ایلات آن منطقه نیرو و سرباز اخذ کند. مشکلات و بحران‌های مالی کشور و فقدان قدرت مرکزی در ایلات و ولایات در آمدو شد و سقوط کابینه و دولت‌های بعد از مشروطه تأثیرگذار بود. با روی کار آمدن کابینه سپهدار اعظم (رشتی) به‌عنوان یک صاحب‌منصب نظامی که درجات نظامی رو تا بالاترین مقام طی نموده بود، تصویب لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر در نیروهای نظامی موجب امیدواری نویسندگان روزنامه جنوب قرار گرفت؛ هرچند که در ادامه سپهدار هم نتوانست این لایحه را در مجلس به یک قانون تبدیل نماید! در ابتدا نویسنده مقاله به تعریف و تمجید از سپهدار اقدام نمود: «به قول واحد می‌گویند سپهدار اعظم؛ زیرا عمر شریف خود را در این قوه [نظامی‌گری] صرف کرد و مراتب نظامی را به خدمت و لیاقت طی نموده، هر مرتبه از نظام را که دولت علیه به او عنایت کرده- به ازای خدمتی بس شایان و مجاهده نمایان بوده- و امروز که ریاست وزرا و وزارت جلیله جنگ و شرف نظامی را این ملت به آن جناب داده تکمیل و تنظیم آن فقره را از آن مقام می‌خواهد.» (جنوب، سال اول، ش ۱۶، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ق: ۵).

نویسنده با اشاره به تلاش‌های عبدالحسین میرزا فرمانفرما به‌عنوان نخستین وزیر جنگی که این لایحه را به مجلس دوم پیشنهاد داد و نمایندگان مجلس هم با شور در مواد و رفع ایرادات آن و موافقت با برخی از آن مواد؛ از سپهدار انتظار داشت تا نخستین برنامه و لایحه‌ای را که در مجلس و در کابینه خود به مجلس ارائه می‌داد، همان لایحه اخذ سوار از ایلات و عشایر باشد؛ موضوعی که کابینه به آن توجه نمود و در یادآوری به سپهدار و وزیر جنگ او، آن را خواست ملی ایلات و عشایر کشور دانست. به‌عنوان نمونه به استدعای خوانین و سرکردگان طایفه «دیرکوند» لرستان در این موضوع اشاره نمود. همچنین نوشت: «از سمت ایالت کرمان و بلوچستان هم در این باب به ما

می‌نویسند. تلگراف ایلخانی ایل جلیل عرب که از بندرعباس توسط نماینده محترم ایل با شجاعت قشقایی (محمد کریم‌خان کشکولی) نموده بود، با یک دنیا مسرت درج نمودیم.» در ادامه با اشاره به فطرت و خوی جنگجویی ایلات و عشایر و عدم خصیصه مذکور در جامعه شهری، این را وجه تمایز برای استخدام آنان در نیروهای نظامی و بحث سربازگیری دانست و نوشت: «در مسلک و عقیده ما در حکومت ملی بر استخدام قوای طبیعی و آبادی ایران به دست ایران‌نژادان است. از هر قوه (نیرو) باید استفاده نمود و دولت آن قوه را استخدام کند. قوه (نیروی) ایلات، قوه جنگی و عناصر سلحشوری این آب و خاک‌اند. سوار شهری و سرباز داوطلب همان حکایت جنگ مازندران را به ما نشان می‌دهد. خرامیدن در خیابان لاله‌زار می‌نمایند [نشان می‌دهد] دیگر امیدی در او نیست؛ ولی [در مورد] سوار ایلات، جنگ‌های تاریخی به ما نشان می‌دهد، قوه ایلات را باید در جزء سپاه استخدام نمود؛ نه اینکه ایلات را رها کرد تا اینکه شجاعت فطری خود را در راهزنی در بیابان مصرف کنند و به جان یکدیگر افتند و اولیاء امور همیشه در تهیه اردو برای تنبیه آنان باشند.»

مقاله‌نویس در ادامه با اشاره به دعوت از حضور ایلات و عشایر به مرکز تصریح نمود: قوه ملی [حکومت مشروطه] می‌بایست در «مقام تربیت و تمدن آنان» تلاش نماید و حفظ ثغور (مرزها) و امنیت را به آنان واگذار نماید. موضوعی که به نظر وی دیگر گروه‌ها و طبقات از عهده آن بر نمی‌آیند: «کاسب و زارع طبع سلحشور و راه سپاهی را نمی‌داند، شهری و دهی (روستایی) از جنگ فرار می‌کنند. نجبا و اشراف زینت مملکت‌اند. علما و سادات قوه روحانی آب و خاک‌اند. تاجر و غیره ازدیاد ثروت می‌کنند. قوه جنگی منحصر به ایلات است. نظام از آن قوه باید تشکیل یابد و اردو از اینان باید ترتیب داده شود.» نویسنده سرانجام با اظهار امیدواری به کابینه سپهدار رشتی و وزیر جنگ او و اطمینان خاطر «رؤسای جنوب و شمال» به آن دو «که با صدق قول و صحت عمل» با رؤسای ایلات برخورد می‌کنند، اذعان نمود که در صورت تسریع لایحه مذکور و تصویب آن توسط سپهدار در مجلس، در مدت کوتاهی می‌توان به داشتن اردوهای منظم و هم سرکوب «رسم ملوک‌الطوایفی» و افزایش نفوذ دولت در مرزها خوش‌بین بود. هرچند که نویسنده اغراض و نیت سوء افراد و گروه‌هایی که استقلال و تمامیت ارضی کشور را در این برهه بر نمی‌تابیدند، در تصویب لایحه مؤثر می‌دانست. نویسنده با

دید تاریخی به پتانسیل و توانمندی نیروی ایلات و عشایر به عنوان نیروهای نظامی باکفایت نیز اشاره نمود و به نقش برجسته آنان در ادوار فترت و مبارزه با نیروهای بیگانه و سرکوب آنان در حفظ تمامیت ارضی ایران نیز داد سخن راند. موضوعی که در گذشته نتیجه بخش بود؛ اما در آن شرایط به نظر نویسنده پاسخ نمی داد و با ورود آنان به نیروهای نظامی دولتی منجر به نتایج درخشان تری می شد (جنوب، سال اول، ش ۱۶، ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹ ق: ۵-۶).

در ترغیب و تحریک هر چه بیشتر سپهدار و کابینه اش به استفاده از ایلات و عشایر روزنامه به مانند شماره های پیشین همچنان به علاقه و انگیزه پیوستن نیروهای ایلی و عشیره ای در نیروهای نظامی دولتی تأکید می نمود. درخواست تیمور لر، فرزند والی پشت کوه لرستان و طایفه اش مؤید این موضوع می باشد:

«امروز که توجه کابینه عظام به امنیت و انتظام مملکت است، انتظام ممکن نیست؛ مگر به توسط افراد قشونی. بر هر فردی از افراد نظامی که بتوانند در این راه خدمت نمایند، فرض ذمه است. در جراید دیده شد که وزارت جلیله جنگ سابق لایحه قانونی از گرفتن سوار از ایلات تقدیم به مجلس مقدس شورای ملی نموده، چند ماده آن هم در مجلس مقدس گذشته است. فرض ذمه اهالی ایلات است که با کمال شوق استقبال نمایند و این بنده که تیمور فتح السلطان، ولد مرحوم عباسقلی خان و الی پشت کوه هستم استدعا از هیئت وزراء عظام به خصوص حضرت اشرف رئیس الوزراء وزیر جنگ و نمایندگان محترم می نمایم که هر وقت قانون از مجلس مقدس گذشت به این فدوی دولتخواه امر فرمایند تا این خدمت را در لرستان انجام دهم. قریب پانصد سوار دلیر رشید لرستانی حاضر نموده که به دولت خدمت نمایند تا به این واسطه ازدیاد قوه لشکری که امروزه از برای مملکت اهمیتش بیشتر از همه چیز شود» (جنوب، سال اول، ش ۱۶، ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹ ق: ۶).

موانع و مشکلات مالی در تصویب لایحه جلب سوار از ایلات و عشایر و راهکارهای روزنامه جنوب در مرتفع نمودن آن

نبود بسترهای مالی برای پرداخت حقوق نیروهای نظامی از جمله مشکلات دولت های بعد از مشروطه بود. پرداخت مواجب قراسورانها (به عنوان اولین نیروهای نظامی دولتی

بعد از مشروطه) چنان که گفته شد، شاهد این مدعاست. این نیروها با چنین مشکلاتی نه تنها نمی‌توانستند به تأمین امنیت راه‌ها و کاروان‌های تجاری اقدام نمایند؛ بلکه با دریافت رشوه از راهزنان محلی، خود از موانع تأمین امنیت به حساب می‌آمدند. تأمین سوار و سرباز از نیروهای ایلی و عشیره‌ای که خود به دلیل فقر و تنگدستی از موانع برقراری تأمین امنیت محسوب می‌شدند، موضوعی بغرنج بود که عدم تصویب لایحه گفته شده را به همراه داشت. هرچند که با افزایش بودجه وزارت جنگ در پاره‌ای اوقات موجی از امید در بین نویسندگان روزنامه جنوب برای جلب استخدام ایلات و عشایر به نیروهای نظامی را به همراه داشت؛ اما متأسفانه فسادهای مالی که در وزارتخانه‌های آن روز و از جمله وزارت جنگ نیز وجود داشت، این موضوع را از کانون توجه خارج می‌نمود. در این زمینه روزنامه ضمن مبارزه با این فسادهای مالی و برخورد با سران فساد، داد سخن راند و نوشت: «از قراری خبری که به اداره [روزنامه جنوب] رسیده، بودجه نظام بعد از مشاوره و اصلاحات لازمی که باید بشود به دوازده کرور بالغ شده. اگرچه این مبلغ هنگفت در [اوهله] اول خیلی می‌نمایند [نشان می‌دهد]؛ ولی اشخاصی که اهمیت نظام و فواید ناشیه آن را می‌دانند، برای یک مملکت معظمی مثل ایران این اندازه بودجه را زیاد تصور ندارند [نمی‌کنند]. ولی نظری که در بین است می‌گویند این مبلغ برای چهل هزار قشون سوار و پیاده منظور شد و به مصارف این عده قشون خواهد رسید. ... ولی می‌توان گفت مبلغ معتناهی از این وجه مصارف میز و صندلی و ... اعضاء اداره [وزارت جنگ] خواهد شد. ... با ملاحظه بودجه بعد از اصلاح ادارات شروع به گذرانیدن لایحه گرفتن سوار از ایلات از مجلس نمایند» (جنوب، سال اول، شماره ۲۳، ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ ق: ۲).

نتیجه‌گیری

با وقوع انقلاب مشروطه موجی از امیدواری در بین مشروطه خواهان ایجاد شد. مبارزه با استبداد و استعمار و تحقق قدرت مرکزی نیرومند از جمله اهداف مشروطه خواهان بود. مجلس شورای ملی به عنوان نهادی برآمده از این انقلاب به عنوان یک تکیه‌گاه مطمئن برای انجام این اهداف در کانون توجه قرار گرفت. مجلسی که گردانندگان روزنامه جنوب از آن به‌عنوان سمبل «اقتدار ملی» یاد می‌نمودند که برخلاف دوران استبداد که در نبود

قانون، امنیت از کشور سلب شده بود، این مرجع ذیصلاح یک پشتیبان و حافظ نظم و امنیت محسوب می‌شد. با چنین نگرشی تقویت نیروهای نظامی کشور از سوی این مجلس مورد توجه قرار گرفت. با شروع مجلس دوم، وزارت جنگ با ارائه لایحه «جلب سوار از ایلات و عشایر» به مجلس در جهت تقویت قدرت مرکزی کشور نقش مهمی ایفا نمود. نویسندگان روزنامه جنوب که پیرو تمایلات مشروطه‌خواهی مدیر آن (محمدباقر تنگستانی) بر منافع ملی و اقتدار و تمامیت ارضی کشور تأکید داشتند، در تصویب و تدوین این لایحه عزمی راسخ داشتند. خوی جنگ‌طلبی، دفاع از کیان و مرزهای کشور در طول تاریخ و انجام بسترهای مناسب برای یکجانشین نمودن آنان از جمله راهکارهای ارائه‌شده از سوی نویسندگان مقاله در جهت جلب نیروهای ایلی و عشیره‌ای به نیروهای نظامی دولتی بود. از دیدگاه روزنامه جنوب و نویسندگان آن تقویت زیرساخت‌های کشور چون تأمین امنیت لازم برای این نیروها، پرداخت مواجب و حقوق و استخدام آنها از سوی وزارت جنگ، گامی مهم در این زمینه محسوب می‌شد. موضوعی که با توجه به مشکلات مالی کشور در آن برهه راه به جایی نمی‌برد؛ اما نویسندگان روزنامه بر تحقق آن پافشاری می‌نمودند. به‌ویژه زمانی که نظامیان به‌عنوان رئیس‌الوزرا (رئیس کابینه) در مسند قدرت قرار می‌گرفتند، این خواست بیش‌ازپیش مورد توجه قرار می‌گرفت. ترغیب و تشویق ایلات و عشایر به پیوستن به نیروهای نظامی دولتی و تأمین سوار و سرباز برای دولت مشروطه از سوی آنان و انعکاس مذاکرات مجلس در این موضوع بخشی از جامعه ایلی و سران آن را بر آن داشت تا با ارسال تلگراف‌هایی به روزنامه با این موضوع همراهی نشان دهند. فرجام سخن آنکه لایحه مذکور به علت تنگناهای مالی و عدم همراهی نمایندگان در مجالس بعد از مشروطه با تصویب آن نه‌تنها مشکل کمبود نیروی نظامی کشور را مرتفع ننمود؛ بلکه با جلوس رضاخان بر تخت سلطنت و مخالفت وی با سبک زندگی ایلی و عشیره‌ای، جلب و استخدام ایلات و عشایر در نیروهای نظامی به بوته فراموشی سپرده شد و در ادامه سرکوب ایلات و عشایر در دستور کار وی قرار گرفت.

منابع

- ابرلینگ، پیر (۱۳۸۳)، کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی پور، تهران: نشر شیرازه.
- افشار، ایرج (۱۳۶۸)، ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، تهران: مؤسسه آموزشی و انتشاراتی نسل دانش.
- تاریخ ارتش نوین ایران (بی‌تا)، ستاد بزرگ‌ارتشتاران، ج ۱، چاپخانه ارتش.
- گارثویت، جن. راف (۱۳۷۳)، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: سپند.
- روش شوار، ژولین دو (۱۳۷۸)، خاطرات سفر ایران، ترجمه مه‌راب توکلی، تهران: نشر نی.
- رنه، هانری (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ج ۱، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- غفاری، هیبت‌الله (۱۳۶۸)، ساختارهای اجتماعی عشایر بویراحمد، تهران: نشر نی.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴)، سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی‌ئه اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۲۹ ق)، سه‌شنبه ۱۱ صفر، دوره ۲.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۲۹ ق)، یک‌شنبه ۱۹ صفر، دوره ۲.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۲۹ ق)، یک‌شنبه ۲۶ صفر، دوره ۲.
- واعظ، نفیسه (۱۳۸۸)، سیاست عشایری دولت پهلوی اول تهران: نشر تاریخ ایران.
- وارینگ، ادوارد اسکات (۱۳۶۲)، سفرنامه اسکات وارینگ، چاپ در مجموعه سفرنامه: ده سفرنامه یا سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: وحید.
- وولفسن، اس (۱۳۰۹ ش)، ایرانیان در گذشته و حال ترجمه‌ی میرزا حسین‌خان انصاری، تهران: مؤسسه‌ی خاور.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰)، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، به تصحیح و تحشیه‌ی جمشید کیانفر، ج ۱۰، تهران: اساطیر.
- یاحسینی، سید قاسم (۱۳۸۷)، مطالعاتی در باب تنگستان، تهران: گلگشت.

مقالات

- رجایی، عبدالمهدی و نورایی، مرتضی (۱۳۹۱)، «وضعیت امنیت راه‌های اصفهان در سال‌های پس از مشروطه (۱۳۲۱-۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶-۱۹۱۴ م)، جستارهای تاریخی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۹۱، صص ۲۶-۱.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۶)، «ورقی از تاریخ ارتش ایران: تاریخچه سربازگیری در ایران»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۸.
- معینی رودبالی، رضا (۱۳۹۴)، تاریخچه نظمیه در فارس، طرح پژوهشی، مرکز مطالعات ناجای فارس. ناظر: دکتر حمید حاجیان پور.
- معینی رودبالی، رضا و ساجدی، عبدالله (۱۳۹۷)، قراسوران‌های فارس و نقش آنها در حفظ امنیت راه‌های فارس با واکاوی نقش نیروهای انگلیسی (از دوره قاجار تا پایان جنگ جهانی اول)، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۵، شماره ۱۸، پاییز ۹۷، صص ۶۶-۴۳.
- نیازی، محمد؛ شالچی، وحید (۱۳۹۲)، «شکل‌گیری نظام‌وظیفه در ایران و طرح ملت‌سازی در دوره پهلوی اول». جامعه‌شناسی تاریخی، دوره پنجم، شماره ۲.

روزنامه

- جنوب، سال اول، ۱۹ صفر ۱۳۲۹ ق، شماره ۹، ص ۳.
- جنوب، سال اول، شماره ۱۰، ۲۶ صفر ۱۳۲۹ ق، ص ۴.
- جنوب، سال اول، ش ۱۲، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق، ص ۳.
- جنوب، سال اول، ش ۱۶، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ق، ص ۵.
- جنوب، سال اول، شماره ۲۳، ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ ق، ص ۲.

